

“رشت را به مهر دریا بیم”

شهری به وسعت بازارهای رنگارنگ وهیاهوی مردمی که ازصبح روانه روزمره گی هایشان میشوند وتاپاسی ازشب نبض شهر هنوز آرام نگرفته،شهری که باتمام چاله چوله ها وترافیکش هنوز زادگاهی دوست داشتنی برای مردمانش است.

با وجود باران های فراوان در طول سال هنوز بلوارهاو پیاده راه هایش مملو گل وسبز نیستند فضای سبز شهری چهره ای رنگ پریده دارد وذوق یک پیاده روی عصر، رفع خستگی های یک روز کاری را کور می کند.

پروژه هایی که افتتاح میشوند ، اما به انجام نمیرسند.

ازحداقل حقوق شهروندی ورفاه اجتماعی هم به تعداد انگشتان دست نمیشود نام برد ، شهری که بی توجهی مسئولین و مدیریت شهری از شهر شبهای روشن ، شهری خاکستری ، رنگ پریده و چهل تکه ساخته بطوریکه که حتی ۱۰ خیابان بدون چاله و چوله و با آسفالتی یکدست و مرغوب دیده نمیشود.

شهری با فرهنگ وپیشنه غنی و جامعی که چند صباحی ست گویا به حال خود رها شده ودرد میکشد واین درد تا عمق وجود شهرونداناش که روزی به زیبایی وآرامش شهرشان غره بودند ریشه کرده.

نوعی سردرگمی هویت رشت را دربرگرفته که میتوان با نگاهی اجمالی به شهرو خیابان هایش آن را دید ولمس کرد.

شهر خلاق غذا ، توجه به این مقوله درکنار تنوع صنایع دستی های رنگارنگ ، بناهای سنتی ،بازارهای محلی میتواند بهترین پوئن جهت جذب تور یست وگردگشان باشد .اینها همگی نشان از پتانسیل بالای شهر باران دارد که میتواند بجای اینکه ایستگاهی فقط جهت استراحت مسافران درپارک هایش باشد،شهری با جذب مسافرانی مشتاق به سیاحت در خیابان هایش باشد.گویی دیگر زمان آن رسیده نگاهی ازسر مهر به شهری که همیشه درتمام صحنه های سیاسی ،اجتماعی ،فرهنگی وهنر حرفی برای گفتن دارد.

رشت را دریا بیم.